

مقایسه مذاکرات ساف با مقاومت مردمی فلسطین

انتفاضه علیه سازش

حسین ملوایی: با آغاز انتفاضه فلسطین در سال ۱۹۸۷، فلسطینیان بعد از ۴۰ سال در موضع تهاجم و اسرائیل در موضع تدافع قرار گرفت. در پی انتفاضه، امنیت داخلی اسرائیل بشدت به خطر افتاد و همین امر ضرورت طرح حل مساله فلسطین را برای اسرائیل مطرح کرد. در این بین سازمان آزادببخش فلسطین نیز با توجه به برگ برنده‌ای که به وسیله انتفاضه به دست آمده بود، سوار بر امواج حوادث شد و از انتفاضه به‌عنوان پرگی در مذاکرات صلح با اسرائیل استفاده کرد. در واکنش به شکل‌گیری رژیم صهیونیستی در فلسطین، اقدامات متعددی از نبرد مسلحانه و حملات جهادی تا توسل به نهادهای بین‌المللی و مذاکره با این رژیم صورت گرفته است اما همه واکنش‌ها در ۲ دسته کلی «مقاومت» و «انتفاضه» در مقابل «مذاکره» یا «سازش» قابل تقسیم است. این در حالی بود که با ناکامی گروه سازش، انتفاضه مردم فلسطین آغاز شد.

ناریخچه شکل گیری اسرائیل

شکل‌گیری رژیم صهیونیستی یکی از نمونه‌های غیرقابل انکار دخالت استعماری قدرت‌های بزرگ در جهان اسلام است. پروسه‌ای که با ایده‌پردازی‌های صورت گرفته و حمایت‌های مدام کشورهای غربی در نهایت منجر به تاسیس رژیم صهیونیستی شد و امروز با حمایت‌های سیاسی و دخالت‌های مستمر آنها ادامه حیات این رژیم میسر شده است. بنای تفکر شکل‌گیری رژیم صهیونیستی به «تودور هرتصل» و کتاب «دولت یهود» او در سال ۱۸۹۸ مربوط است لذا با تئوری پرزازی‌های صورت گرفته و با حمایت‌های سیاسی و مالی کشورهای غربی و هزاران بازسازی صورت‌گرفته دیگر، در نهایت امر رژیم صهیونیستی تاسیس شد اما همه اینها در دست زمانی رخ داد که مقامات غربی بویژه آمریکایی بارها و بارها در بیانیه‌های خود، بر بی‌طرفی و عدم حمایت از رژیم صهیونیستی تاکید داشتند.۱۱ در پرتو حمایت کشورهای غربی و حتی شوروی و به‌رغم مخالفت اعراب و جهان اسلام، رژیم صهیونیستی توانسته تا امروز به حیات خود ادامه دهد. در واکنش به شکل‌گیری رژیم صهیونیستی در فلسطین واکنش‌ها و اقدامات متعددی صورت گرفته که از نبرد مسلحانه و حملات جهادی تا توسل به نهادهای بین‌المللی و مذاکره با این رژیم را دربر می‌گیرد اما همه واکنش‌ها در ۲ دسته کلی «مقاومت» و «انتفاضه» در مقابل «مذاکره» یا «سازش» قابل تقسیم است. طرح‌های سازش‌کارانه که در قالب طرح‌های بلندمدتی مانند پروسه صلح خاورمیانه و… در حال پیگیری بود و عمدتا با میانجی‌گری ایالات متحده پیگیری می‌شد، نهنتها سودی برای فلسطینیان نداشت بلکه در نهایت مسیری را به وجود آورد که مردم فلسطین را به اقلیتی کوچک و شایسته ترحم رساند. در حالی که رژیم صهیونیستی از مجمع آوارگان به قلدر فعلی منطقه رسیده است لذا مقایسه ۲ محور مقاومت در مقابل محور سازش موضوع این نوشتار محسوب می‌شود.

گزینه مقاومت و انتفاضه در مقابل رژیم صهیونیستی

«انتفاضه» واژه‌ای است که از همان سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶) همزمان با آغاز قیام مردم مسلمان و تحت ستم فلسطین وارد واژگان انقلابی – سیاسی جهان شد. از لحاظ لغوی انتفاضه به معنی جنبش و لرزش است که همراه با نیرو و سرعت باشد اما از نظر انقلابیون جهان، انتفاضه حکایت‌از عملکرد معترضانه و شجاعانه مردم غیر مسلح فلسطین در برابر رژیم اشغالگر قدس دارد. انتفاضه حرکت توده‌های سنگ به دست فلسطینی است؛ توده‌هایی که اعم از پیر، جوان، زن و مرد در برابر سربازان تا بن دندان مسلح اسرائیلی ایستادگی می‌کنند تا پیام مظلومیت و اشغال سرزمین خویش را به جهانیان برسانند. [۲]
انتفاضه دارای ویژگی‌هایی است که آن را از محور سازش متمایز کرده و منجر به پیروزی و اهمیت آن شده است چراکه با آغاز انتفاضه فلسطین در سال ۱۹۸۷، فلسطینیان بعد از ۴۰ سال در موضع تهاجم و اسرائیل در موضع تدافع قرار گرفت. در پی انتفاضه همچنین امنیت داخلی اسرائیل بشدت به خطر افتاد و همین امر ضرورت طرح حل مساله فلسطین را برای اسرائیل مطرح کرد.

شروع انتفاضه

در خیزش عمومی مردم فلسطین که به انتفاضه معروف است، حوادث مهمی اتفاق افتاد که همگی ریشه در ماهیت نژادپرست رژیم صهیونیستی داشت. حوادثی که از دستگیری‌ها و خونریزی‌های مداوم رژیم صهیونیستی تا اقدام برای تصاحب و تخریب بیت‌المقدس را در بر می‌گیرد. در این رابطه می‌توان به حملات مداوم رژیم صهیونیستی از اکتبر ۱۹۸۷ و ورود یهودیان موسوم به «پاسلداران جبل هیکل» اشاره کرد که به منظور تغییر هویت بیت‌المقدس در جریان بود. در ادامه این ناآرامی‌ها «گروه جهاد اسلامی» مجموعه عملیات‌های شهادت‌طلبانه‌ای را به راه انداخت و به حمایت از جشن مردمی فلسطین و حمایت از انتفاضه اقدام کرد.

علل ظهور انتفاضه

اگر چه بررسی همه علل و عوامل انتفاضه مردم فلسطین نیاز به گذشت زمان بیشتری دارد اما چند عامل مهم در بروز انتفاضه نقش بسیار مهم داشته‌اند. در این رابطه اولین مورد تأثیری بود که انقلاب اسلامی ایران بر مردم فلسطین گذاشت. در این‌باره شهید دکتر «فتحی شقایی»، رهبر پیشین سازمان جهاد اسلامی فلسطین توضیحات جامعی دارد: «هیچ چیز به اندازه انقلاب امام خمینی نتوانست ملت فلسطین را به هیجان آورد و احساسات آنها را برانگیزد و امید را در دل‌شان زنده کند. با پیروزی انقلاب اسلامی، ما به خود آمدیم و دریافتیم آمریکا و اسرائیل نیز قابل شکست هستند ما فهمیدیم با الهام از دین اسلام می‌توانیم معجزه کنیم.» [۳] از دیگر عوامل مهم شروع

انتفاضه نامیدی و یأس ملت فلسطین از رهبران خود بود. سازمان آزادیبخش فلسطین(ساف) که در مسیر مبارزات مردمی تا دوران کسب هویت، به‌عنوان رهبر و نقطه اتکای مردم فلسطین بخصوص ساکنان مناطق اشغالی تلقی می‌شد، در درون خود دچار تحولات بسیار زیادی شد و از یک سازمان مبارز و مدافع حقوق فلسطینی‌ها به سازمانی تبدیل شد که برای کسب اولین و ساده‌ترین و بیش‌بافتاده‌ترین حقوق مردم فلسطین هیچ‌گونه توانایی‌ای از خود نمی‌تواند بروز دهد. اما اقدامات وحشیانه حاکمان اسرائیل و همچنین عناصر و گروه‌های نژادپرست و افراطی صهیونیست نسبت به اهالی و مردم فلسطین، از جمله قتل، شکنجه، غارت، تخریب منازل، بازداشت‌های گسترده دسته‌جمعی، حبس‌های طولانی و توهین به مقدسات، کاسه صبر فلسطینی‌ها را لبریز کرد تا اینکه باعث شد آنها در مقابل تجاوزات و زورگویی‌های رژیم صهیونیستی ایستادگی کنند و منطقی‌ترین پاسخ به چنین سیاست‌هایی، آغاز قیامی مردمی به دور از دخالت سیستم دولتی بود.[۴] از دلایل دیگر آغاز انتفاضه تقویت این حس در مردم فلسطین بود که انتظار هر گونه کمکی از بیرون بویژه در قالب دولت‌های عربی که تا آن زمان آنها انتظار آن را داشتند عبث و بیهوده است. کشورهای عربی پس از شکست‌های سهمگین از ارتش اسرائیل، روحیه خود را از دست دادند و در مقابل فلسطینی‌ها بیشتر به شعار تکیه کردند تا اقدامی عملی انجام دهند.

تأملات

ویژگی‌های انتفاضه

انتفاضه دارای ویژگی‌هایی است که آن را از محور سازش متمایز کرده و منجر به پیروزی آن شده است؛ همین ویژگی‌ها سبب شد با آغاز انتفاضه فلسطین در سال ۱۹۸۷، فلسطینیان بعد از ۴۰ سال در موضع تهاجم و اسرائیل در موضع تدافع قرار گیرد. در پی انتفاضه همچنین امنیت داخلی اسرائیل بشدت به خطر افتاد و همین امر ضرورت طرح حل مساله فلسطین را برای اسرائیل مطرح ساخت. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های انتفاضه فلسطین نسبت به حرکت‌های مشابه پیشین خمیرمایه اسلامی آن بود. «منیر شفیق»، تئورسین انقلاب فلسطین در این‌باره می‌گوید: «مساله فلسطین همان مساله اسلام است و این منافاتی با وطن‌پرستی و عربیت ندارد و چون مساله فلسطین در اساس و جوهرش مساله‌ای اسلامی است، باید بر همین اساس معالجه و بر این اساس حل و فصل شود». در این حرکت مردم در متن انتفاضه قرار داشتند اگرچه دولت‌مردان سعی داشتند در برخی برهه‌ها از این مساله – به درست یا غلط – به‌عنوان برگ چانه‌زنی در فرآیند گفت‌وگوها سود ببرند اما به‌عنوان ابزاری در دست رهبران فلسطینی نبود و شاید به جرات بتوان این را این گفت که در برخی اوقات این حرکت انتفاضه بود که راهبرد گفتوگوها را تعیین می‌کرد تا ورود به مذاکرات بتواند چنین خواسته‌ای را بر آن تحمیل کند.۱۵] مردمی که در بنن مبارزه قرار گرفتند روش مبارزه را نیز عوض کردند. مبارزات فلسطینی‌ها همواره متکی به عملیات‌های چریکی و سلاح و سازمان بوده است اما این بار زنان و کودکان فلسطینی به همراه جوانان آن مرز و بوم با سلاحی نامتعارف– به لحاظ شیوه‌های مدرن جنگ– (سنگ در برابر گلوله] به مبارزه با اشغالگران خانه‌ها و سرزمین خود پرداختند. در حالی که شهادت‌طلبی و از جان‌گذشتگی، یکی دیگر از خصوصیاتیی بود که در قیام نخستین انتفاضه جایگاهی ویژه به خود گرفت. این خصوصیت که اوج آن در عملیات استشهادی بویژه از سوی زنان و دختران فلسطینی متجلی شد شب شب دولت عبری به این بار برسد که ملت فلسطین خطوط قرمزی را بین خود و مقامات مذاکره‌کننده ترسیم می‌کنند و در صورت عبور این مقامات از این خطوط آن را نخواهند پذیرفت.

محور سازش در مقابل رژیم صهیونیستی

اگر بخواهیم به تشریح محور سازش و فجاییی که بعد از شکل‌گیری این تفکر به جهان اسلام تحمیل شد بپردازیم، باید به «نور سادات» به‌عنوان تئورسین این دیدگاه اشاره کنیم چرا که با سادات بود که ایده سازش با رژیم صهیونیستی وارد تفکر دولت‌مردان و حکام اسلامی شد و ضربه محکمی بر مردم فلسطین و حقوق آنها وارد کرد. لذا در میان فلسطینیان، کسانی که تمایل به سازش و مذاکره با رژیم صهیونیستی داشتند تحت تأثیر اقدامات انور سادات هستند. این در حالی است که ظهور این طیف افراد نقش بسیار مهمی در تقویت و قدرت‌گیری محور مقاومت و انتفاضه فلسطینیان داشت و خود این امر از دلایل شکل‌گیری انتفاضه بود لذا محور سازش دارای ویژگی‌هایی است که به آن اشاره می‌شود.

عدم روحیه انقلابی

از عوامل مهم شروع انتفاضه نامیدی و یأس ملت فلسطین از رهبران خود بود. سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) که در مسیر مبارزات مردمی تا دوران کسب هویت، به‌عنوان رهبر و نقطه اتکای مردم فلسطین بویژه ساکنان مناطق اشغالی تلقی می‌شد، در درون خود دچار تحولات بسیار زیادی شد و از یک سازمان مبارز و مدافع حقوق فلسطینی‌ها به سازمانی تبدیل شد که برای کسب اولین و ساده‌ترین و بیش یافتاده‌ترین حقوق مردم فلسطین هیچ‌گونه توانایی از خود نمی‌تواند بروز دهد. به تعبیر «لویاباد» از رهبران سابق ساف: «صریحا بگویم ورود فتح به سازمان آزادیبخش فلسطین در سال ۱۹۶۸، خصلت انقلابی آن را کاهش داد. جنبش ما دچار بروکراسی شده است. رزمندگی خود را از دست داده و به جای آن احترام و ابهت به دست آورده است و از ترس اینکه میادا از جانب سیاستمداران، متهم به تروریسم، تندروی و ماجراجویی شود، برای اثبات میانه‌روی، ترمش و آشتی‌پذیری خود در هر قدم شتاب کرد، غافل از آنکه رسالت عمده‌اش اساسا این نیست…».

وابستگی گروه سازش به حکام عربی وابسته به غرب

کشورهای عربی پس از شکست‌های سهمگین از ارتش اسرائیل، روحیه خود را از دست دادند و در مقابل فلسطینی‌ها بیشتر به شعار تکیه کردند. این کشورها با ابداع انور سادات مسیر مذاکره و سازش با رژیم صهیونیستی را در پیش گرفتند. لذا گروه‌ها و مبارزان بسیاری در فلسطین به دلیل وابستگی به این کشورها و این تفکرات، تفکر و باور انقلابی خود را از دست دادند، و این مساله خود یکی از دلایل مهم آغاز انتفاضه و تقویت این حس در مردم فلسطین بود که انتظار هر گونه کمکی از بیرون بویژه در قالب دولت‌های عربی و گروه‌های وابسته به آنها عبث و بیهوده است. این در حالی بود که بسیاری از این گروه‌ها با مردم عادی که انتفاضه را به راه انداخته بودند متفاوت بودند و درد و رنج مردم عادی را تجربه نکرده بودند. به تعبیر لویاباد: «..تمام انقلاب‌هایی که در فلسطین شکل گرفته‌اند، در پایتخت‌های عربی دفن شده‌اند. دولت‌های عربی نسبت به فلسطینی‌ها علاقه افلاطونی ابراز داشتند، وعده و وعید فراوان دادند اما اقدام واقعی و عملی، هیچ‌با مشاهده این بی‌توجهی آشکار رژیم‌های عربی به اوضاع فلاکت‌بار فلسطینیان، آخرین امیدها:ز حمایت‌ها و کمک‌های دولت‌های عربی و کارساز بودن اندیشه ناسیونالیسم عربی قطع شد و اندیشه اتکا به اسلام و حرکت از درون که با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به نحو موفقیت‌آمیزی تجربه شده بود، قوت گرفت…».

خیانت کشورهای عربی برای رکود انتفاضه و صعود سازش

واقعیت این بود که با آغاز انتفاضه فلسطین در سال ۱۹۸۷، اسرائیل در موضع دفاع قرار گرفت و چنین بعدی سبب شد این تفکر در برخی طیف‌ها ایجاد شود که موضع دفاع اتخاذشده از سوی دولت اسرائیل را می‌توان در روند گفت‌وگوها شاهد بود و در نتیجه آن می‌توان از طریق گفت‌وگوها به برخی مطالبات ملت فلسطین جمله عمل پوشاند. این در حالی بود که در پی انتفاضه امنیت داخلی اسرائیل بشدت به خطر افتاده بود و همین امر ضرورت طرح حل مساله فلسطین را برای اسرائیل مطرح کرد. [۶] در این بین ساف با توجه به برگ برنده‌ای که به وسیله انتفاضه به دست آمده بود، سوار بر امواج حوادث شد و از انتفاضه به‌عنوان برگي در مذاکرات صلح با اسرائیل استفاده کرد. یک سال بعد از انتفاضه، ساف در نوزدهمین اجلاس ملی فلسطین در الجزایر، تأسیس کشور فلسطینی در کنار اسرائیل را تصویب کرد و قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ که موجودیت اسرائیل را به رسمیت می‌شناخت و از فلسطینیان به‌عنوان آوارگان عرب سخن می‌گفت، مسود قبول قرار داد. به هر روی برگزاری اجلاس الجزایر و تصمیمات آن اولین ضربه را بر وحدت فلسطینیان در مبارزه مردمی وارد آورد. مدتی بعد طرح گفت‌وگوهای سیاسی صلح و موافقت ساف و کشورهای عربی با شرکت در آن، عامل دیگری در جدایی و اختلاف گروه‌های فلسطینی شرکت‌کننده در انتفاضه شد. در آستانه امضای پیمان غزه– اریحا که منجر به خاموش شدن انتفاضه شد، اسحاق رابین بار دیگر به گسترش موج اسلام‌گرایی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین اعتراف کرد و در پاسخ به پرسش‌های چند تن از اعضای کمیسیون دفاع اسرائیل، تأکید کرد نفوذ گروه‌های اسلامی در سرزمین‌های اشغالی، هر روز گسترش بیشتری می‌یابد و این برای اسرائیل خطرناک خواهد بود. رابین گفت: «طرفداران فلسطینی (امام) خمینی می‌کوشند جناح‌های معتدل جنبش فتح را از صحنه مبارزه خارج کنند». پس از امضای پیمان غزه– اریحا نیز روزنامه آمریکایی «کریستین ساینس مانیوتور» نوشت: «اگر به خاطر مسلمانان رادیکال نبود، صلح بین ساف و اسرائیل هرگز به وقوع نمی‌پیوست». این روزنامه می‌افزاید: «از شگفتی‌های قضیه این است که طرفین معاهده یعنی اسحاق رابین و یاسر عرفات، هر دو از ترس یک دشمن مشترک که همان اسلام سیاسی رادیکال است، مجبور به امضای قرارداد صلح شدند». به اعتقاد «جورج حبش»، پیشنهاد اسرائیل برای خارج کردن نیروهایش از نوار غزه صرفاً بدین خاطر بود که انتفاضه در آنجا ابتکار عمل را در دست گرفته بود و میزان تلفات اشغالگران همواره بیشتر می‌شد و آنها دریافتند نمی‌توانند «آهن داغی» چون نوار غزه را برای همیشه در دست خود نگاه دارند. از طرفی خطر اسلامگرایی به گونه‌ای برای مقام‌های صهیونیست و به تبع آن برای مقام‌های آمریکایی مخاطره‌آفرین بود که ناگزیر حاضر شدند به برخی مواضعی که طی سال‌ها از آنها اجتناب می‌کردند، روی آورند. از جمله این مواضع، مذاکره و نزدیکی با سازمان آزادیبخش فلسطین بود.

پی‌نوشت:

- اعراب در اسرائیل (مجموعه کرامه شماره ۵) صبری گری (جریس)، تهران، انتشارات البرز، بی‌تاص ۱۹۶، قطع رقی.‌
- اعراب و اسرائیل و آینده، ناصر پورقمی، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۵۷، ص ۴۰۴
- اعراب و اسرائیل، علی‌اصغر حاج‌سیدجوادی، تهران، انتشارات رواق، چاپ ششم ۱۳۵۶، ص ۱۸۶
- الفتح سخن می‌گوید (مجموعه کرامه شماره ۲)، ژیلبر دنوایان خبرنگار فرانسوی، ترجمه و انتشار: کمیته فلسطین، ص ۲۰۵، ۱۳۵۶، نقشه قطع وزبری.
- امروز ایران، فردا فلسطین (فتح بحث را آغاز می‌کند)، تهران، نشر فرهنگ انقلاب، ص ۸۷
- امام در برابر صهیونیسم (مجموعه دیدگاه‌ها و سخنان حضرت امام خمینی درباره رژیم اشغالگر قدس)، تهران، انتشارات دفتر سیاسی سپاه پاسداران، ۱۳۶۱، ص ۲۵۰، حاوی فهرست اعلام، اشخاص، اماکن و کتب.

منبع:مرکز اسناد انقلاب اسلامی

اشاره
<div><div></div><div>نکاهی به جغرافیای انرژی در جهان</div></div>
سعید ملکی: از دیرباز خاورمیانه به‌عنوان منطقه کلانوی ی‌با به اصطلاح «هارتلند» انرژی جهان شناخته می‌شود و هر گاه سخن از نفت و گاز به میان می‌آید، دکل‌های حفاری دریایی، تاسیسات استخراج میدان‌های خاکی و شعله‌های مشعل‌های همیشه روشن کشورهای حاشیه خلیج‌فارس به ذهن‌ها متبادر می‌شود. با وجود درستی نسبی این تصور، باید گفت روز به روز از این مرکزیت کاسته و بر طول و عرض نقشه جغرافیای انرژی در جهان افزوده می‌شود.
ژوئن سال ۲۰۱۴ میلادی یعنی یک سال پیش موسسه تحقیقاتی وابسته به شرکت برسلایه نفت انگلیس یعنی «بریتیش پترولیوم» اعلام کرد در مقایسه با سال ۱۹۹۳ میلادی که نزدیک به ۶۳/۵ درصد ذخایر شناخته‌شده نفت جهان در خاورمیانه متمرکز بود، در آستانه سال ۲۰۱۴ این سهم به ۴۸ درصد تقلیل یافته است. براساس برآوردهای موجود پس از خاورمیانه مناطق آمریکای مرکزی و جنوبی، آمریکای شمالی، اوراسیا (روسیه و قلمرو کشورهای اروپایی)، آفریقا و منطقه آسیا – پاسیفیک به ترتیب ۱۹، ۱۴، ۹، ۸ و ۲ درصد کل ذخایر انرژی جهان را در خود جای داده‌اند.
در میان دارندگان ذخایر بزرگ انرژی نیز کشورهای ونزوئلا، عربستان، کانادا و جمهوری اسلامی ایران به ترتیب حدود ۲۹۸/۳ میلیارد بشکه معادل ۱۷/۷ درصد، ۱۷۴/۳ میلیارد بشکه معادل ۱۰/۳ درصد و ۱۵۷/۸ میلیارد بشکه برابر ۹/۳ درصد از ذخایر اثبات‌شده نفت را در اختیار دارند و پس از این ۴ کشور، عراق، کویت، امارات عربی متحده، روسیه، لیبی و ایالات متحده آمریکا در رتبه‌های پنجم تا دهم قرار دارند.
در زمینه جغرافیای تولید و مصرف نیز باید گفت سال ۲۰۱۳ و تا پیش از بر هم خوردن توازن بر اثر اوج‌گیری یکباره تولید نفت شییل آمریکا، عربستان ۱۳/۱ درصد از کل نفت جهان را تولید می‌کرد و روسیه و آمریکا به ترتیب با ۱۲/۹ و ۱۰/۸ درصد پشت سر آن قرار داشتند. البته طی ماه‌های اخیر رشد چشمگیر تولید نفت آمریکا ناشی از افزایش میزان تولید نفت شیل موجب شد کل میزان نفت تولیدی آمریکایی‌ها به مرز ۱۱ میلیون بشکه در روز برسد. این رقم که از سال ۱۹۷۲ میلادی تاکنون بی‌سابقه است حتی موجب پیشی گرفتن آمریکا از عربستان و روسیه در تولید نفت شد.
به هر ترتیب آمریکایی‌ها توانستند پس از سال‌ها جایگاه نخستین واردکننده نفت را به رقیب بزرگ اقتصادی خود یعنی چین واگذار کنند. البته آمریکایی‌ها هنوز در صدر کشورهای مصرف‌کننده انواع انرژی هستند و پس از آمریکا کشورهای چین، ژاپن، هند و روسیه قرار دارند. آمریکا سال ۲۰۱۳ با مصرف روزانه ۱۸/۹ میلیون بشکه نفت، بزرگ‌ترین مصرف‌کننده نفت جهان بوده است. اما در زمینه گاز موقعیت کلانوی خاورمیانه کم‌رنگ‌تر است. در مقایسه با سهم ۴۸ درصدی این منطقه در ذخایر اثبات شده نفتی، سهم ذخایر گازی خاورمیانه ۴۳ درصد کل منابع گازی جهان است. پس از خاورمیانه، اوراسیا با ۳۱ درصد، آسیا – پاسیفیک با ۸ درصد، آفریقا با ۸ درصد، آمریکای مرکزی و شمالی با ۶ و آمریکای جنوبی با ۴ درصد در رتبه‌های بعدی مناطق گازخیز جهان جای دارند.
براساس آخرین برآوردهای موسسات و شرکت‌های بزرگ انرژی جهان، ایران با ۳۳/۸ تریلیون مترمکعب نزدیک به ۱۸/۲ درصد کل ذخایر شناخته‌شده گاز جهان را به خود اختصاص داده است. پس از ایران، کشورهای روسیه و قطر دارای ۳۱/۳ و ۲۴/۷ تریلیون مترمکعب ذخایر گازی یعنی ۱۶/۸ و ۱۳/۳ درصد از کل ذخایر اثبات‌شده گاز جهان هستند و در جایگاه‌های دوم و سوم قرار دارند. پس از این ۳ کشور، ترکمنستان، آمریکا، عربستان، امارات عربی متحده، ونزوئلا، نیجریه و الجزایر در رده‌های چهارم تا دهم قرار گرفته‌اند.
در این زمینه باید گفت داشتن ذخایر غنی گازی به معنای صادرات گسترده آن از نسوی کشورهای بزرگ دارنده منابع گازی نیست. به‌عنوان مثال و براساس آمارهای موسسه‌های بین‌المللی انرژی، ایران در مقام بزرگ‌ترین دارنده ذخایر گاز جهان در سال ۲۰۱۳، بیست و دومین کشور صادرکننده این کالای هیدروکربنی بوده است. مهم‌ترین دلیل این جایگاه نامطلوب کشورمان، مصرف بخش اعظم تولید گاز به شکلی غیربهنه در ایران است. بنا بر گزارش‌ها، سال ۲۰۱۳ ایران با تولید ۱۶۶ میلیارد مترمکعب گاز پس از کشورهای آمریکا، روسیه و کانادا قرار گرفت. با توجه به آنچه گفته شد می‌توان شمایی اجمالی از جغرافیای ذخایر، تولید و مصرف مهم‌ترین منابع هیدروکربنی را مشاهده کرد. در مجموع نیز می‌توان گفت به رغم وجود نزدیک به نیمی از ذخایر نفت و گاز جهان در خاورمیانه، روز به روز از میزان تولید این منطقه کاسته می‌شود به شکلی که سال ۲۰۱۴ بزرگ‌ترین مصرف‌کننده انرژی جهان یعنی آمریکا به بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت و گاز جهان تبدیل شد.